مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۱۸ چار شنبه ۳ جدی ۱۳۸۲ ۳۰ شوال المکرم ۱۴۲٤ - 24 December 2003

سرمقاله

منظور از پارلمان مقتدر چیست؟

ص۲

داساسی قانون ارزښت

۲ مخ

در دهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی

- ◆ نمایندگان مردم مشکلات منطقه یی را مطرح نمودند
- ◆ به قانون اساسی کمتر پرداخته شد
- ◆ کارکرد دوسالهٔ دولت مورد انتقاد قرار گرفت



در دهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، نمایندگان مردم مشکلات محلی ومنطقه یی را مطرح نموده و خواستار گردیدند تا دولت به وضعیت مردم توجه نماید.

نمایندگان مردم از عدم توجه دولت به صحت عامه، رفاه اجتماعی، تعلیم وتربیه، امنیت ومسائلی دیگر شکایت نمودند.

برخی از نمایندگان گفتند که وقت کافی برای طرح مشکلات به ایشان داده نمی شود وباید توجه جدی دولت به زندگی مردم و وضعیت آن ها جلب گردد.

کمیتهٔ تفاهم به کار بحث روی مسودهٔ قانون اساسی ادامه داد و قرار آخرین گزارش. این کمیته کار خود، روی مسودهٔ قانون اساسی را حوالی ساعت هفت نیم شب گذشته به پایان رساند ونتایج کار خویش را امروز در معرض ارزیابی عمومی نمایندگان مردم قرار خواهد داد. ص۴

داکتر مهدی نمایندهٔ شهر کابل:

شهردار انتخابی، پارلمان مؤقت وتجدید نظر درکابینه خواست های مردم ماست



دکتر محی الدین مهدی نمایندهٔ شهر کابل در صحبتی

به علت کم بودن وقت مستقیماً در خواست های موکلان خود را مطرح ساخت.

دکتر مهدی در خواست های موکلانش رابه چهار دسته تقسیم نمود وگفت که برای بهبود وضعیت اجتماعی شهر کابل باید شهردار انتخابی باشد ص۴

عبدالشکور واقف حکیمی نمایندهٔ شهر کابل:

به ما فرصت داده نشد تامشکلات مؤکلان خود را مطرح نماییم



واقف حکیمی نمایندهٔ شهر کابل در لویه جرگهٔ

تصویب قانون اساسی در دهمین روز لویه جرگه ضمن سخنرانی کوتاه گفت درحالی که از مردم شهر کابل اظهار سپاس می نمایم که رأی شان را به من داده اند؛ اما متأسف هستم که به مافرصت کافی داده نمی شود تامشکلات وخواست های موکلان خود را مطرح نماییم. ص۴

قسیم سنجی نمایندهٔ مردم در لویه جرگه:

اگر در سرود ملی زبان پشه یی شریک نباشد، ملی نیست



قسیم سنجی نمایندهٔ ولایت کاپیسا در لویه جرگهٔ

تصویب قانون اساسی در دهمین روز این نشست، به زبان پشه یی صحبت نمود وگفت که مردم پشه یی بخشی از نفوس کشور را تشکیل می دهند وبه حیث یک ملیت نباید نادیده گرفته شوند.

سنجی از دولت انتقاد کرد که پشه یی ها را ص۴

ابوبکر سبزوار

مروری بر کارنامه های دوسالهٔ حکومت آقای کرزی

لویه جرگهء قانون اساسی همان گونه که از نامش پیداست، گردهمایی یی بزرگ برای تصویب قانون اساسی است، اما آقای کرزی با صحبت خویش در مراسم گشایش لویه جرگه، این گردهمایی را به حیث وسیله یی برای تبلیغ کارهای حکومت خویش در طول دوسال گذشته مورد استفاده قرار داد.

کرزی که می دانست در این گردهمایی حتما مسألهء بیش از دومیلیارد دلار کمک جامعهء بین المللی در طول این دوسال و این که این پول به کجا رفته است، مطرح خواهد شد در حقیقت خواست تا پیش دستی کند و با قرار گرفتن در موضع تهاجمی، قبل از این که چنین سوالی مطرح شده باشد به آن جواب بدهد. او فقط به گفتار اکتفا نکرد و اکنون ادعا های او به شکل جزوهء چاپی به نمایندگان ملت نیز توزیع شده است تا این سوال مهم در اذهان وکلا جایی برای مطرح شدن نیابد. ص۳

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت:

ما نباید قدرت را از دست مردم بگیریم وبه افراد ویا مجموعه هایی بسپاریم که بالآخره نظام را به سوی دیکتاتوری بکشانند و ارادهٔ مردم سرکوب شود.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

منظور از پارلمان مقتدر چیست؟

مقولهٔ حکومت، یک مقولهٔ قرار دادی میان ملت از یک طرف وکسانی که حکومت را تشکیل می دهند از جانب دیگر است که نظریه پردازان عرصهٔ سیاست آن را چون قرار داد یا عقد وکالت به خوانش گرفته اند که مردم در نقش موکل وحکومت در نقش وکیل ایفای وظیفه می کند ومشروعیت وکیل هم تازمانی است که موافق به خواست مؤکلانش و در راستای مصالح آنان کار کند.

در برابر وضع کنونی این سرزمین که بحران برای مدتی بیشتر از دو دهه برفضای آن حاکم بوده است و بی اعتمادی و فاصله های قومی و سوء تفاهم ها بر محیط آن سایهٔ افگنده است و با ورود چهره های ناآشنا به عرصهٔ این بحران با افکار وطرز دیدهای متفاوت بر پیچیدگی آن می افزاید، باید درپی سازوکارها وابزارهایی رفت که این کشور بحران زده را از آسیب پذیری های کنونی اش نجات ببخشد.

آنچه که در شرایط کنونی به این نیاز مبرم پاسخ گو بوده می تواند، همانا تحقق مشارکت ملی است که مظهر ونماد برتر آن را می توان در موجودیت یک پارلمان مقتدر وشورای ملی توان مند و باصلاحیت در اتخاذ تصامیم مربوط به سرنوشت امروز وفردای کشور وناظر براجراآت حکومت مشاهده کرد.

آری! پارلمان مقتدر حکومت را مؤثر و فعال می سازد و احساس مسؤولیت را در حکومت بر می انگیزد و صلاحیت استجواب واستیضاح از حکومت این جریان را سرعت و کارآیی بیشتر و بهتر می بخشد.

عنوان کردن پارلمان مقتدر به این مفهوم است که باید ارادهٔ ملی در اتخاذ تصامیم وفیصله های پیوند خورده به حیات ملت تجلی یابد. تعیین سیاست کلی کشور وخطوط اساسی آن نباید از طرف فرد وگروهی به بازی گرفته شود بلکه باید مشارکت مردم به صورت واقعی آن در حیات سیاسی ملت تمثیل گردد.

در این روز ها موضع گیری هایی که در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در حمایت از نظام پارلمانی به وسیلهٔ نمایندگان منتخب مردم بازتاب می یابد در واقعیت امر هدف بزرگ ملی را دنبال می کند که ویژگیهای آن در بالا ذکر گردید وچقدر خوب خواهد بود که طرح پارلمان مقتدر وحکومت پاسخ گو و مسؤول را به خوانش بگیریم ونگذاریم بعد از این ملت جفا دیدهٔ ما قربانی شعار های به ظاهر زیبا ولی در واقع بی محتوا شود و ثروت های ملی ما در جهت تأمین منافع شخصی و گروهی مورد استفاده قرار گیرد و آنچه از طرف مجامع بین المللی به نام کمک می آید به دور از نگاه های ملت حیف ومیل گردد.

این است فسلفهٔ وجودی پارلمان مقتدر وحکومت پاسخ گو و مسؤول. اصلاً نباید با شعار کلی مسؤولیت دولت در برابر ملت، نقش پارلمان به عنوان مرجع مشروع نمایندگی از مردم نادیده گرفته شده و به حاشیه رانده شود. منظور از پارلمان مقتدر در نظر ما در شرایط کنونی کشور پارلمانی است که لااقل در گزینش اعضای کابینه نقش داشته باشد. بدین گونه مشارکت ملی می تواند در چهار چوکات یک نظام ریاستی ولی مسؤول در برابر پارلمان هم عرض وجود کند.

نظام ریاستی را چرا عنوان می کنند؟

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

در این برهه از تاریخ کشورمان که قضایای داغی، در پیوند به سرنوشت توده های میلیونی وطن، نظرها وافکار را به خود جلب کرده است وملت ما در مرحلهٔ گزینش نظامی برای تعیین خطوط زندگی فردای خود قرار دارند، چگونگی نظام سیاسی، پرسش اساسی هرفرد این مملکت است.

سازمان های آب دیده در کورهٔ حوادث وبحران چند دههٔ اخیر کشور وگروه های خلق الساعه وجوانه زده از شرایط جدید هریک حرف ها وگفتنی هایی دارند محورهای اساسی آن گفتگو ها را نوعیت نظام سیاسی آیندهٔ افغانستان تشکیل می دهد.

هستند گروه ها وسازمان هایی که باطرح نظام ریاستی مردم را مخاطب قرار می دهند وهستند سازمان هایی که به قوت نظام پارلمانی را عنوان می کنند ودرمیان طیف های مختلف مردم مخاطبان فراوان دارند.

در نوشتار کنونی در حدی که از حوصلهٔ این مقال بیرون نباشد می خواهیم حرف هایی را در پیرامون هریک از دونظام یاد شده به خوانش بگیریم.

یقیناً نظام ریاستی در افغانستان نظام ناآشنایی نیست، همهٔ مردم باچهرهٔ آن آشنا اند وعمل کردهای آن را هم در همه چهره های آن – از شاهی های مطلق العنان وبه اصطلاح مشروطه گرفته تادیکتاتوری های تک حزبی وامارت های تمدن ستیز به تجربه گرفته اند.

ولی بلند گویان این نظام از طریق رسانه های همسو بااهداف شان چنین وانمود می سازند که در شرایط کنونی کشور، نظام ریاستی یگانه مرهمی برزخم های این ملت است. آن ها علاوه می کنند که باآماده شدن شرایط، می شود بعد از ده سال، به تعدیل مواد قانون اساسی در این راستا دست یازید ونظام پارلمانی را برگزید.

چنین برداشت وتحلیلی بدون شک تداعی گر آن باوری است که نظریه پردازان کمونیزم بین المللی- که اکنون رنگ باخته است- می گفتند: تامحو نظام طبقاتی وجود یک دولت سرکوب گر یادیکتاتوری پرلتاریا، حکم تاریخ است، آن گاه که نظام طبقاتی برهم خورد، دیگر نیازی به دولت محسوس نمی شود.

پرسش اساسی که در این راستا باید مطرح کرد این است که این تحلیل علم برداران نظام ریاستی از چه قدسیتی برخوردار است که بربنیاد آن نظام پارلمانی را در شرایط کنونی زیر سوال می برند وخودها را به حیث دایه های مهربان تر از ملت در ذهنیت ناآگاه وطن جامی زنند، حال آن که بهتر است داوری در این مورد را بربنیاد معیارهای قبول شدهٔ نظام های مردم سالار به مردم واگذار شوند.

گزینش چنین نظام هایی تجربه شده در زندگی مردم افغانستان، جز این که گزینش یک تجربه شدهٔ نامطلوب برای رسیدن به یک نتیجهٔ نامعلوم باشد، چیز دیگری را نمی رساند.

«کارل پوپر» می گوید: برای رسیدن به یک نتیجهٔ خوب می شود از وسیلهٔ بدهم استفاده برد ولی گذشته از آن که به باور ما هدف وسیله را تبرئه نمی کند.

کجا است آن ضمانتی که چنان نتیجهٔ مطلوب را تضمین نماید؟ نه تجربه های به دست آمده در گذشتهٔ سیاسی افغانستان آن را تأیید ونه هم ذهنیت مردم افغانستان که به دور از انقطاب های جدید به داوری نشسته اند، بر آن صحه می گذارد.

برخی از تحلیل گران اوضاع کنونی کشور به این باور اند که گزینش نظام ریاستی در شرایط کنونی برای آن است که بسترپارلمانی را که کفهٔ خود باوری ملی آن سنگینی می کند مناسب تحقق برنامه های خود نمی بینند.

هرچه باشد، باشد

باور ما این است که وجود یک پارلمان مقتدر، ونیرومند گذشته از آن که باز تاب دهندهٔ نقش ارادهٔ ملی در قضایای مربوط به سرنوشت است، نمادی است از تجلی اصل مشارکت مردمی در قضایای سرنوشت ساز کشور.

برهمین پایه است که مانظام پارلمانی مقتدر را عنوان می کنیم وآن را در شرایط ویژهٔ کنونی یگانه راه ختم بحران و آوردن جو اعتماد میان ملیت ها وکم ساختن فاصله های قومی می دانیم.

داساسي قانون ارزښت

ع.ممنون

دټولو حقوق پوهانو له نظره اساسي قانون دټولو نورو فرعي قوانینو مورده یا اساسي قانون داسې وبولي چې دېوي ونې سته وي او نور قوانین ئې ښاخونه وبولي. لویه جرګه چې دبند پریکړو پرېښت له یوتاریخي ضرورت له مخې په یو ورسته پاتي جګړه ځپلې هیواد کې دنړي دسوله دوستو هیوادونو په مرسته چې ملیونه روپۍ هره ورځ پرې لګیږي جوړه شوي که چیري همدا اوس دهغې په مسودې غور او څېړنه کیږي هراړخیز سوچ پري ونه وهل شي نو بیا ډیره ګرانه ده چې دنړې پام ورته واوړي او هغه فرعي قوانین چې د دې هیواد دژوندانه په بیلو بیلو برخو کې د دې مورني قانون دمندرجو موادو له مخې جوړیږي په ټولو کې به نیمګړتیا او کمزوري موجود وي ځکه که چیري دېوي ابادي بنسټ ښه نه وي اینودل شوي هغه ابادي چې دهغه دپاسه کیږي دنړیدلو دخطر قرباني کیږي.

داساسي قانون په جوړولو کې حقوق پوهان، ټولن پوهان، او دېوې ټولنې د وتلو پوهو شخصیتونو له فکر او نظر څخه ګټه اخستله کیږي دود او تاریخي روایات او فرهنګ او ملي غوښتني داساسي قانون په تکوین کې یو څه رول لري په لویدیزو او ختیزو لرغونو او معاصرو قوانینو کې دپورتني عناصرو شته والي انکار نه منونکي شرط دي اساسي قانون دخلکو دحقوقو دتامین لپاره جوړیږي لکه چې انسانان دځپل ځان دپاره داسې جامې چې اقلیمي شرایطو سره برابري او سمې وي برابروی نو اساسي قانون دېوي ټولنې دحقوقي اړیکو مضبوط مزی او برخه لیك دي ځنګه کیدي شي دټولنیزو غوښتنو په ځای فردي او ګروپي غوښتنوته ځای ورکړی او دځپلې ټولنې شرایط له پامه وغورځوی بشري تجاربو ثابته کړیده او یوه علمي خبره ده چې باید دخلکو اراده د ټولنې او هیواد دمشرله ارادې څخه پورته وي او یا په بله ژبه دهیواد زعامت باید دخلکو دغوښتنو په لیکو کې ګام اوچت کړي او دهغوي دګټو او مشورو څخه انحراف ونکړي هغه زعیمان هیڅ کله بریالي ندي چې دخلکو له بشپړ ملاتړ څخه برخمن نه دي دملت مشر دملت نه پورته کیږي زما په نظر په اوسني لویې جرګې کې کله کله وړې وړې خبري هم پورته کیږي او په داسې خبرو هم وخت اوړي چې تیرو لویو جرګو او اساسي قوانینو کې مثل شوي دي نوفکر کوم چې دهغو تکرار تحصیل حاصل او یا بې ځایه دردسر دي په عمراني او عرفاني چاروکې د دولت او خلکو دندي او مسئولیتونه باید له پامه ونه غورځیږي تا سو دمثال په توګه د دې مسودې په کمزور اړخونو غور وکړي زموږ خلك دتاریخ په داسې پړاو کې دي چې اوس پدې پوه شوي چې باید په ماشومانو درس ولولي مګر په دې مسودې کې دژده کړې او تحصیل په برخه کې د فیس څخه یادونه په کلي ډول بې ځایه ده همداراز په هغو ټولنو کې چې دهغوي زعیمان دهغوي له ټل څخه پورته کیږي مګر په وروسته پاتي هیوادونو کې چې عشیروی او یا د بهرنیو په مرسته یو څوك درول کیږي که چیري دخلکو او یا دهغو داستازو نقش لږشي نو ضرور یا به دیوي قبیلې او یا بهرني ځواك حکومت اوسي او خلك به دځپلو مادي او معنوي شتمنیو څخه ګټه نشي اخستلاي فقر او لوږه به واکمه وي او دو دي او پرمختګ څخه به ټولنه لري پاتی شي موږ باید په یوزړه او یوه خوله په ټولنیزي روحیې ځپل اساسي قانون جوړ کړو څو راتلونکو نسلونوته مو سترګې خړې نه وي او په اوسني سختو شیبو کې پرټولو ستونزو د یو موټي والي په برکت بریالي شو.

يد الله مع الجماعه.

مروری بر کارنامه های دوساله...

اما آیا کرزی درست می گوید؟ آیا دست آورد های ادعایی آقای کرزی همان گونه است که او ادعا دارد؟

بخشی مهم از بیانیهء کرزی به دست آورد های اقتصادی دو سال حکومت او اختصاص داشت. مردم با گزافه هایی از این دست، چندان نا آشنا نیستند و پیش از این نیز بار ها از ایشان شنیده شده که رشد اقتصادی افغانستان در طول دوسال گذشته حدود بیست تا سی درصد بوده است. این احصائیهء بدون طول و تفصیل را آقای کرزی از قول بانک انکشاف آسیایی نقل کرده اند.

داوری در مورد پیشرفت اقتصادی یک کشور را فقط از روی آمار و ارقام روی کاغذ، هرگز نمی توان قانع کننده دانست مگر این که بازتاب آن در حیات اقتصادی جامعه مشخص و ملموس باشد. **اقداماتی که در طول دو سال گذشته در بخش اقتصادی صورت گرفته با مبلغ هنگفتی که به افغانستان آمده تا چه حد همخوانی دارد؟** این سوالی است که پاسخ آن می تواند بسیار مهم و قابل توجه باشد.

۱- دست آورد بزرگی که آقای کرزی از آن به عنوان یک افتخار یادآورشد و حتی جمعی از وکلا را به خاطر نشان دادن آن موفقیت، بیش از نصف روز از شرکت در لویه جرگه بازداشت، افتتاح مجدد جادهء کابل - قندهار بود.

بگذریم از این که کار روی این جاده در زمان طالبان آغاز شده و قسمتی از کار آن نیز پیش رفته بود و این که هدف اصلی از اعمار راههای مواصلاتی بیشتر تعقیب همان اهدافی است که در دههء ۶۰ اتحاد شوروی در افغانستان به دنبال آن بود، ولی باید پرسید که چه مبلغی از مجموع بیش از دوهزار ملیون دلار صرف این پروژه گردیده است؟

۲- نمایندگان ولایات شکوه دارند که چرا کار بازسازی در ولایات آغاز نشده و هرکدام مشکلات ولایت و ولسوالی مربوط خود را مطرح می کنند. اکنون که نمایندگان ملت از ولایات به کابل آمده اند بهتر است به وضع کابل به حیث پایتخت کشور توجه کنند که دولت برای مردم این شهر در طول این دوسال چه کاری انجام داده است؟

در مورد کابل پایتخت کشور باید گفت که در طول این دوسال که گویا دو ملیارد دلار پول برای بازسازی به افغانستان آمد، ابتدایی ترین نیاز های شهروندان این شهر نیز برآورده نشد.

جاده های شهر کابل مانند زمان طالبان پر از چاله و ناهمواری است که ازدحام ترافیک، مشکل را دوچندان ساخته است. دو میلیارد دلار به مصرف رسیده ولی حتی چراغ های ترافیکی چهارراه ها به همان حال سابق، خاموش و از کار افتاده باقی مانده اند. این مسأله به راه بندان های طولانی می انجامد که گاهی نمی توان فاصلهء چند کیلومتر محدود را در یک ساعت نیز طی کرد. بگذریم از این که **قسمتی از شهر کابل را هم دوستانی که برای تأمین امنیت ما آمده اند بخاطر تأمین امنیت خودشان بسته اند** و این خود به مشکلات ترافیک افزوده است.

۳- شاروالی یا شهرداری با وجود کمک هایی که به آن صورت گرفته، در تأمین نیاز های شهروندان کابل کاملا ناکام مانده است. نقاط مختلف شهر انباشته از کثافات است. اگر گاهی هم اقدامی برای پاک کاری صورت می گیرد، از دریور تا مسئوولان تنظیفات در فکر بهرهء خود از تیل و روغنیات وسایط بکار گرفته شده اند.

کنترول قیمت ها اصولا در برنامهء کاری شاروالی قرار ندارد. مانند دوران طالبان که معتقد بودند کنترول قیمت ها خلاف شریعت است، امروز هم عین همان قانون در شهرداری حاکم بوده و قیم به شکل سرسام آوری بلند رفته است. اگر تا پیش از به چلند افتادن پول جدید، پول سابقه و گویا بی پشتوانه بهانه یی برای بلند بردن قیمت ها بود، اکنون آن بهانه نیز وجود ندارد ولی کسی نیست که به فریاد مردم بی بضاعت به خصوص ماموران دولت که به علت ثابت بودن عاید شان، آسیب پذیر ترین قشر جامعه اند، توجهی داشته باشد.

٤- از مدتها قبل شایعاتی مبنی بر ازدیاد معاش ماموران دولت به گوش می رسید که بالاخره این ازدیاد، اندک اعلام شد ولی تأثیرات منفی آن به شکل صعود بیشتر قیم در بازار نمایان گردید. عجیب است بازهم **اقتصاد دانان وارد شده از خارج، وضع اقتصادی مردم را قیاس به جیب خودشان می کنند و از کنار این مشکل بی تفاوت می گذرند.**

وزیر مالیه اعلام نمود که معاش ماموران هفت برابر بلند برده شده است اما بیایید ببینیم که این هفت برابر شدن معاش به چه معنی است؟ به عنوان مثال معاش یک مامور رتبه ۴ را در نظر می گیریم که تا قبل از تزیید معاش ماهانه ۷۸ افغانی بود و اکنون به ۵۴۶ افغانی بلند برده شده است. اگر این تزیید را با بلند رفتن قیم بعد از اعلان این تزیید مقایسه کنید، به خوبی متوجه می شوید که هدف از این کار فقط خاک پاشیدن به چشم ملت بوده است. **اگر هدف دولت واقعا بلند بردن نسبی سطح زندگی ماموران دولت بود تا از فساد اداری جلوگیری شود، آیا بهتر نبود تا به جای ازدیاد نسبی معاش، به تهیهء مواد اولیه از طریق کوپون اقدام می شد** تا به جای رشد انفلاسیون و بلند رفتن قیم، باعث کاهش قیم مواد اولیه می شد؟

۵- در بخش تعلیم و تربیت که بخشی نهایت حیاتی برای امروز و فردای این کشور است سهمی در این دوملیارد دلار به مصرف رسیده، اختصاص داده نشده بود و به همین علت وزیر معارف کچکول به گردن انداخت تا این مشکل را حل کند. همین اکنون در شهر کابل مکاتبی وجود دارد که نه تنها از میز و چوکی در آنها خبری نیست بلکه دروازه و کلکین نیز ندارند. اگر باور ندارید به مکتب متوسطهء غازی ایوب به کارتهء پروان مراجعه نمایید و از روی آن وضع مکاتب در ولایات را قیاس کنید.

۶- **آب آشامیدنی صحی از جملهٔ ضروریات اصلی مردم است. در شهر کابل بیشتر مردم از این نعمت محروم اند.** نل های آب که در طول سالهای جنگ صدمه دیده بود برای بازسازی سهمی در دو میلیارد دلار کمک به افغانستان نیافت.

۷- برق در همه دنیا از جملهء ضروریات ابتدایی به شمار می رود. این ضرورت نه تنها به خاطر استفاده در منازل مهم است بلکه چرخهای کارخانه ها بوسیلهء آن به گردش در می آید. وزارت آب و برق در حکومت کرزی از جملهء ناکام ترین وزارت خانه ها بوده است.

از دو میلیارد دلار پولی که در طول دو سال گذشته در افغانستان به مصرف رسید، کیبل های پاره و پینهء برق کابل سهمی نداشت. در خرابی ها و قطع برق، مردم محل خود دست و آستین بالا می زنند و به مسئولین برج ها و جکشن ها پول می دهند تا خرابی را ترمیم کنند. اگر پول ندهند، ماه ها هم کسی به فکر ترمیم خرابی برق آنان نیست.

کارخانه داران از نبود برق شکایت دارند و کم کاری در کارخانه ها سبب کمبود تولید از یک طرف و بیکار شدن کارگران از جانب دیگر می گردد. ولی **وقتی از کنار هر برج برق که بگذرید متوجه می شوید که از آن دهها لین مستقیم و به اصطلاح ۲٤ ساعته بسوی منازل قدرتمندان تمدید شده است.** کسی نیست تا بپرسد که آیا تولید کارخانه ها مهم است یا داشتن برق دایمی برای زورمندان؟ اگر برق کم است، باید برای همه یکسان توزیع گردد. آیا این عناصر چه فرقی از تفنگ سالارانی دارند که در ولایات حق مردم را زیرپا می کنند و آقای کرزی برضد آنان رجز می خواند و برضد آنان خواهان گسترش نیروهای ناتو به ولایات است؟ بقول شاعر توکار زمین را نکو ساختی...

وزارت آب وبرق فعال ساختن دستگاه حرارتی برق کابل را از موفقیت های خود می داند اما باید گفت که این دستگاه در جنگ ها صدمهء زیادی ندیده بود و حتی در دوران طالبان هم مسئولین آن دوران وزارت آب وبرق علت عدم استفاده از آن را پر مصرف بودن آن می دانستند نه خرابی جدی در خود دستگاه.

امروز هم مانند قبل از دوسال گذشته، غرب کابل فاقد برق است و در دو میلیارد دلاری که برای بازسازی افغانستان به مصرف رسید، مردم آن بخش از کابل بی بهره ماندند در حالی که مسؤولین این وزارت خانه در طول دوسال گذشته، بارها وعدهء ترمیم سیستم برق آن بخش از کابل را داده اند.

۸- وقتی از امکانات و ظرفیت ها در افغانستان صحبت می شود، بیشترین تأکید ما بر منابع طبیعی و معدنی است اما این که در طول دو سال گذشته در این بخش چه کار هایی صورت گرفته به همگان معلوم است.

از معادن تازه استخراج شده سخن نمی گوییم که اصلا وجود ندارد. ذغال سنگ از معادنی است که از دهها سال قبل در افغانستان استخراج می شد و معادن آن موجود است. حتی در بعضی مناطق کشور، مردم خود معادنی را کشف نموده و با وسایل ابتدایی به استخراج آن می پردازند. استفاده از این منبع انرژی می تواند لااقل موجب کاهش قطع جنگلات در کشور گردد. همه می دانیم که با این منبع انرژی کارخانه های خشت پزی هم به کار می افتد که این به نوبهء خود در پایین آمدن قیمت مصالح ساختمانی تأثیر مستقیم دارد و کمک بزرگی به مردم است، اما وزارت معادن و صنایع در طول دوسال گذشته حتی در همین بخش نیز توجهی جدی نداشته است که نشان از عدم کارآیی دولت دارد.

آقای کرزی که از قطع جنگلات در کشور ابراز نگرانی می کند آیا در طول این دوسال از وزارت معادن وصنایع پرسیده اند که برای جلوگیری از قطع جنگلات برای استفادهء محروقاتی، این وزارت چه وظیفه یی دارد؟ وزارت معادن و صنایع برای جانشین ساختن منابع انرژی زای معدنی چون ذغال سنگ بجای چوب می توانست تا حد زیادی از قطع جنگلات جلوگیری نماید.

۹- در طول دو سال گذشته در جهت ساختن پروژه های جدید مسکونی برای شهریان کابل توجهی در خور ذکر صورت نگرفت. به صورت خلاصه می توان گفت آنچه که در بخش ساختمانی تا کنون صورت گرفته است، بیشتر توسط سکتور خصوصی بوده و دولت در این مورد کاری در خور توجه و مطابق به دوملیارد دلاری که گویا برای رفاه مردم به مصرف رسیده، انجام نداده است. در اینجا ما بیشتر به وضع پایتخت اشاره کردیم که باید مصارف در این شهر بیشتر مشخص می بود. در ولایات وضع روشن است.

۱۰- بیشترین قوای کار فعال کشور در سکتور زراعت مصروف کار اند ولی در طول دوسال گذشته جز شعار هایی که بعد از سفر های خارجی، مسؤولین این وزارت خانه سر می دهند، اقدام قابل ذکری دیده نشد. در این بخش همچنان انجوها یکه تاز میدان بودند که ثمرهء کار آنان به همه ملت هویداست.

امروز دهقان کشور ما قادر نیست تا با حاصلی که از کشت یک جریب زمین گندم بدست می آورد، مصارفی را که در طول سال بالای زمین انجام داده است جبران نماید. دهقان ما مجبور است یا از زراعت دست بردارد و روستا ها را ترک نموده به شهر ها رو آورد که خود مشکل بزرگ دیگری است و یا این که به کشت کوکنار بپردازد. ریشه های این مشکلات برعکس تصور آقای کرزی عمیق تر از آن است که با چند شعار و یا چند نصیحت بتوان آنرا حل کرد.

۱۱-کشت خشخاش در دوران حکومت آقای کرزی تمام ریکارد های گذشته را شکست ولی دولت در جهت جلوگیری از آن اقدامی ننمود برعکس کارهایی صورت گرفت که می توان گفت باعث تشویق دهقانان به این کار بود. از جمله دادن پول به دهاقینی که کوکنار کاشته بودند تا در برابر آن کشت کوکنار خود را نابود کنند. این خود باعث تشویق دیگران گردید. چرا طالبان به خاطر این اقدام مورد انتقاد بودند ولی در مورد دولت کرزی اغماض صورت می گیرد در حالی که او هم به عین همان مسیر روان است؟

عجیب این است که گاهی ادعا می شود در کشت کوکنار در افغانستان، القاعده و طالبان دست دارند. چنین ادعا هایی جز این که ائتلاف بین المللی را در مبارزه علیه تروریسم ناکام جلوه داده و دولت مرکزی در افغانستان را دولتی فلج و زمین گیر نشان دهد نتیجه یی ندارد. راه مبارزه با چنین مشکلات که به حیثیت کشور ما در سطح جهانی صدمه می زند، عنوان کردن چنین عوامل که خود بیش از این که قانع کننده باشد سوال برانگیز است، نخواهد بود.

۱۲- در بخش صحی کارهایی که صورت گرفته بسیار کم و ناکافی بوده است. سری به شفاخانه های کابل بزنید تا متوجه گردید که در آنجا چه می گذرد؟ ادعا می شود که شفاخانه های کابل با وسایل مدرن تجهیز گردیده اند اما در عمل وضع از دوسال قبل فرق در خور توجهی نکرده است.

۱۳- وزارت مخابرات در جهت باز سازی سیستم تیلی کمونکیشن در کشور کار قابل ذکری انجام نداد. تیلفون های اتومات در شهر کابل از کار افتاده اند و کمتر قابل استفاده اند و در جهت توسعهء شبکهء دیجیتال نیز کار در همان حدی متوقف ماند که طالبان آغاز کرده بودند. مردم می دانند که دلیل این کار بیشتر ناشی از نفوذ کمپنی های تیلفن موبایل به خصوص افغان بیسیم است که در طول دوسال گذشته تا توانست به اشکال مختلف جیب مردم را خالی کرد ولی هرگز احساس نکرد که در برابر مردم مسئولیتی هم دارد.

۱۴- آقای کرزی تلاش دارد تا بازگشت مهاجرین به کشور را به حساب کارا بودن دولت خود بگذارد در حالی که بخش عظیمی از این مهاجرین پس از سقوط حکومت طالبان شرایط کشور خود را برای بازگشت مساعد تشخیص دادند و بازگشتند. اما این که دولت برای آنان چه تسهیلاتی را در نظر گرفت، به همه معلوم و مشخص است. اگر مهاجری خود توان اقتصادی داشت، توانست کلبه یی برای خود و خانوادهء خویش بسازد. در حالی که بسیاری دیگر در شرایط بسیار نامساعد، زمستان سال گذشته را سپری کردند و زمستان امسال نیز برای آنان بهتر از زمستان سال پار نخواهد بود. در اینجا چه اقدام قابل ذکری را می توان به حکومت آقای کرزی نسبت داد؟ آیا دولت برای چند در صد از بازگشت کنندگان زمینهء کار را مساعد ساخت؟

۱۵- آقای کرزی از آمدن هزاران کارگر خارجی به کشور به عنوان یک عامل مثبت و نشان از بهتر بودن وضع اقتصادی کشور یاد آور شد بدون این که به این نقطهٔ منفی اشاره کرده باشد که آمدن کارگران خارجی به کشور سبب می شود تا بخشی از عاید حاصل از بازسازی کشور به خارج منتقل گردد زیرا ما قوای کار آموزش دیده نداریم. در طول این دوسال دولت باید در یک پروگرام منظم بازسازی ظرفیت ها، باید قدرت کارایی بخشی از نیروی کار فعال کشور را بلند می برد اما چنین نشد و ما روز تا روز بیشتر به نیروی کارگران خارجی در بازسازی کشور خویش متکی می شویم که معنی آن وابستگی بیشتر از پیش این کشور به خارج و خارجیان است.

با توجه به آنچه که به اختصار به آن اشاره شد اکنون ملت و نمایندگان ملت باید خود داوری کنند که واقعا دولت آقای کرزی در طول دو سال گذشته تا چه حد در جهت بهبود وضع ملت و استفادهء به جا و به مورد از میلیارد ها دلار کمک بین المللی موفق بوده است.

در اینجاست که **یکبار دیگر ضرورت وجود یک پارلمان قدرتمند در کشورما برجسته می شود تا اقدامات دولت را دقیقا تحت نظر داشته باشد و در صورت کجروی از اقداماتی که مضر به حال ملت است جلو بگیرد.**

اگر بعد از تدویر لویه جرگهء اضطراری، ما حتی یک شبه پارلمان از نمایندگان آن لویه جرگه می داشتیم امروز شاید کار های دولت این همه مورد انتقاد نمی بود اما این که آقای کرزی آن پارلمان را نپذیرفت، دلیل آن با عدم حسابدهی شفاف در مورد مصرف بیش از دومیلیارد دلار، تا حدی مشخص است.

پس لازم است تا نمایندگان محترم ملت با تأکید بر موجودیت یک پارلمان مقتدر، از اقدامات خودسرانهء زمامداران جلوگیری نمایند.

آقای کرزی از آمدن هزاران کارگر خارجی به کشور به عنوان یک عامل مثبت و نشان از بهتر بودن وضع اقتصادی کشور یاد آور شد بدون این که به این نقطهٔ منفی اشاره کرده باشد که آمدن کارگران خارجی به کشور سبب می شود تا بخشی از عاید حاصل از بازسازی کشور به خارج منتقل گردد

و اَنان كه در راه ما با جان ومال جهاد كردند محقق آنان را به راه خويش هدايت مي كنيم و هميشه خدا يار نيكو كاران است

قرآن كريم

مجاهد

ارگان نشراتى جمعيت اسلامى افغانستان

● مجاهد مى تواند مطالب را ويرايش كند.

● مطالب آمده مسترد نمى گردد .

● آرا واندیشــه هــاى مقــالات غيــر از ســرمقاله لزومــاً مبــين آرا ومواضــع جمعيت نيست.

شعار ما

رضاى خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قران قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالى ترين آرزوهاى ماست

دور ششم   سال دوم   شماره١٨   چهارشنبه ٣ جدى ١٣٨٢   ٣٠ شوال المكرم ١٤٢٤ -   24 December 2003

سليمانخيل

دستايني ور تاريخي گام

د ١٣٨٠هـ ش دجدي پراوله دافغانستان داسلامي دولت رئيس محترم پروفيسور برهان الدين رباني وبن دموافقي له مخي سياسي قدرت ښاغلي حامد كرزي ته وسپاره.

دا دافغانستان په سياسي ډگر كي يوه مهمه پيښه وه، چي په سوله ايزه توگه دقدرت انتقال ترسره شو، تردي دمخه جگړي. يوبل ته كوهي ايستل او نور قهراميز روشونه رواج وو. خو زره سواند او پرسياسي مسايلو پوه استاد. د دي لپاره جي بلكل په ملك كي دجنگ جگړي لمبي له منځه لاړي شي، دچارواكي دموقتي اداري رئيس ته وسپارلي.

چي له دي پلوه دمحترم استاد رباني داعمل دافغانستان په تاريخ كي په زرينو كرښو ليكل شويدي. دغسي په شپږ مياشتني موقته دوره او هم اضطراري جرگي كي او بيا وريسي ترننه پوري جمعيت اسلامي افغانستان د كارونو دښه پرمختگ لپاره او په وطن كي دهميشني صلحي او باثباته نظام جوړو لپاره مشورتي نقش لوبولي او داسي يي نه دي كړي چي اوبه خړي كړي او ماهيان ونيسي

اوس چي له گوټ گوټ نه وطن وال داساسي

> نو زمونږ هڅه ده، چي دسياسي مسالمت اميزو مبارزو له لاري به دوطن په بيا ابادي كي برخه اخلو او له ځوانانو، متفكرانو او د وطن له ټولو اقشارو موهيله ده، چي زمونږ صف مضبوط كړي.

قانون دمسودي دتصويب لپاره جرگه شويدي. دجمعيت اسلامي افغانستان مشر دحساسو شرايطو په نظر كي نيولو سره له داسي طريقي كار اخلي. چي جرگه په كاميابي سره پاي ته ورسيږي او دباثباته نظام جوړولو لپاره گامونه واخستل شي، او دمحترم استاد له بيانونو معلوميږي، چي دملي وحدت، دقدرت د ويش او داستبداد دمخنيوي لپاره يي هڅي كړي دي.

دجمعيت اسلامي افغانستان مشر استاد رباني يو داسي خيرك او مدبر سياستپوه دي چي دشرايطو په تشخيص سره دريځ نيسي او ډوبه جاله له سينده پوري باسي او كله هم دبحران او كشمكشونو دپيدا كولو طرفدار نه دي.

جمعيت اسلامي افغانستان ټولو هيوادوالو ته اعلانوي چي دادي دبي ثباتي او انتقالي دوران څخه دثبات او هميشني عادي دوران ته دتيريدو په پړاو كي يو. او بيا رغاونه په ټولو اړخونو كي شروع كيدونكي ده. نو زمونږ هڅه ده، چي دسياسي مسالمت اميزو مبارزو له لاري به دوطن په بيا ابادي كي برخه اخلو او له ځوانانو، متفكرانو او د وطن له ټولو اقشارو موهيله ده، چي زمونږ صف مضبوط كړي

افغانان نشي كولاى دمرستندويه هيوادونو دخوښي لپاره نورڅه غوره كړي

بي.بي.سي راديو وويل

داساسي قانون دمسودي په ځينو برخو كي دخلكو داستازيو له لوري ځيني تعديلات او بدلونونه رامنځته شوي خوښاغلي سياف ددغو بدلونونو يادونه ونه كړه او زياته يي كړه تعديلات داستازو په خوښه او پرته له كومي نامشروع لاري څخه په كار اخيستلو ترسره شوي دي.

محترم سياف دښځو دحقوقو ملاتړ وكړ او وي ويل: ښځوته بايد دشريعت او داسلام دقوانينو په رڼا كي حقونه وركړل شي هغه حقوق كوم چي اسلام دښځو لپاره ټاكلي په هيڅ بل نظام كي دومره سوچه. پرځاى او زيات معقول نه دي ټاكل شوي. او پردي اروند افغانان نه شي كولاى دمرستو وركونكيو هيوادونو خوښي لپاره بله لاره غوره كړي.

باڅي ښهرنى ملكونه وائي كه داسي وشول مونږ به كمك وكړو او كه ونه شوي بيائي نه كوو داځيله بدل پربل چا باندي ځيل نظر منل دي.

هرملت خانته اصول لري. خانته تصميم لري. خانته اراده لري ملتونه به دځيلو خلكو دكتو په رڼا كي خانته قانون جوړوي نه دمرستندويو ملكونو دغوښتني په رڼاكي.

شهردار انتخابى، پارلمان مؤقت و...

وبلا فاصله پس از ختم لويه جرگه انتخابات صورت گيرد.

دكتر مهدى گفت كه برخى از نمايندگان لويه جرگهٔ فعلى بايد بـه حيث پارلمان مؤقت تا تدوير انتخابات حفظ شوند.

او تجديد نظر حامد كرزى رئيس دولت را درتشكيل كابينه بـه حيث راهى بـراى از بين بردن فاصله ميان مردم ودولت، پيشنهاد نمود.

دكتر مهدى هم چنان از جامعهٔ جهانى تقاضا كرد كـه بااستفاده از فرصت پديد آمدهٔ لويه جرگه، حضور خود را در افغانستان قانون مند بسازند.

به ما فرصت داده نشد تا...

واقف حكيمى افزود كـه سروسيماى شهر ومـردم گوياى بـارعظيمى از مشكلات است كه در جامعهٔ ما وجود دارد ودولت كمتر به حل آن مى پردازد.

باوجود كم بـودن فرصت، واقف حكيمى وعده سپرد كه چـون مردم بـه او رأى داده اند تا در مورد تصويب قـانون اساسى تصميم بگيرنـد وبـه همين علت بيشترين توجه خود را به ايـن موضوع اختصاص خواهـد داد وايـن امانت را باصداقت ادا خواهـد كرد.

واقـف حكيمى از ايجاد كميسيون جلوگيرى از جنگ استقبال نمود وگفت كـه مادر وعلت همهٔ دربـه درى هـا ومشكلات كشور و مـردم ماحكومـت هـاى خـود كامـه واستبدادى گذشـته بـوده است ومـا بايد قـانونى را بـه تصويب برسانيم كـه بيمارى استبداد، ديكتاتورى وخودكامگى را از كشور ما محو نمايد.

اگر در سرود ملى زبان پشه يى...

درساختار دولت سهم نمـى دهـد ويگانـه مـدير از ايـن قـوم از طـرف وزيـر تجارت بركنار ساخته شد.

آقاى سنجنى افزود كه سرود ملى بايد واقعاً سـرود مليت باشد وپشـه يـى هـا نيـز در آن جاى خود را داشته باشند، در غير آن نمى توان آن را سرود ملى گفت.

سنجنى ادامه داد كه پشـه يـى هـا در جهـاد ومقاومـت سـهم خـود را ايفـا نمـوده انـد واز هيچ كسى كمى ندارند ولازم است به آنان سهم شايسته داده شود.

آقـاى سنجنى گفت كـه سـخنان خـود را بـه زبـان قـومى خـودش بيـان مـى كرد تامردم احساس كنند كه زبان پشه يى نيز يكى از زبان هاى افغانستان است.

خواسته هاى جدى مردمگرا در لويه جرگهٔ قانون اساسى

نمايندگـان مـردم در لويـه جرگـهٔ تصويب قـانون اساسى افغانستان كه خواستار نظام مقتدر مركزى در كشور انـد واقتدار دولت مركزى را در مشاركت مردم و وجـود پارلمـان انتخـابى ونيرومنـد مـى داننـد، نظريـات شـان پيرامـون قـانونٌ اساسى چنين فشرده مى شود:

١- تسجيل اسلام بـه عنوان دين رسمى افغانستان.

٢- تعريف سرحدات كشور

٣- استقلاليت قضاء

٤- رسـميت يـافتن مـذهب جعفـرى در كنـار مـذهب حنفـى ورسـميت يـافتن زبـان ازبيكـى در رديف فارسى درى وپشتو

٥- رعايـت هويـت افـراد واقـوام سـاكن كشـور وتسجيل آن در قـانون اساسـى وتصـويب هويـت«افغانسـتانى» بـراى باشنـدگان كشـور بـه جاى«افغان.

٦- تصـويب سـرود ملـى، از جانب شوراى ملى

٧- تسجيل مكلفيـت بـراى دولت درجهـت ايجـاد وتحكـيم وحدت ملى.

٨- بـه كار گيـرى زبـان هـا در اوراق بهـا دار ومسـكوكات و در القـاب علمـى، ادارى وعسـكرى ونـام گـذارى واحـد پـولىٌ افغانستان به نام«پيسه»

٩- سـمبوليك شـدن نشـان ملى با٣٢ ستاره وكلمهٔ طيبه.

١٠- پشـتيبانى از جمهـورى پارلمـانى بـه حيث نظام سياسـى آيندهٔ افغانستان.

١١- برگـزارى انتخابـات عمومى طبق سازشـنامهٔ بـن در موعد تعيين شدهٔ آن.

١٢- همزمـــان بـــودن انتخابـات عمومـى بـراى تعيين رئيـس جمهـور ونماينـدگان پارلمان

١٣- مناسـب انگاشـتن اقتصاد مختلط بـه جـاى اقتصاد بازار آزاد براى افغانستان

١٤- تسـجيل تحصـيلات وعرضـهٔ خـدمات صحى رايگـان از سوى دولت.

١٥- قيـد بـى طرفـى افغانسـتان در عرصـهٔ سياسـت خـارجى وقيد عدم اعـزام نيروى مسلح به خارج از كشور.

١٦- تشـكيل شـوراى عـالى قـانون اساسى بـراى مراقبـت از تطبيـق عادلانـه ودقيـق قـانون اساسى.

١٧- قانونمنـد سـاختن حضـور نيروهاى خارجى در افغانستان

١٨- انتخـابى بـودن شهردارها و واليان.

١٩- گذاشـتن قيـد تابعيـت يگانـهٔ افغانسـتان وهمسـر افغانسـتانى بـراى مقامـات عاليـهٔ كشور.

٢٠- تسـجيل حـق اسـكان براى كوچى ها.

٢١- اعطـاى حـق سياسـى واجتمـاعى بـراى زنـان در همـهٔ سـطوح ومنـع نكـاح اجبـارى ودادن دختـران بـه عنـوان خـون بها وساير رسوم جاهلى.

٢٢- تعريـف قهرمـان ملـى ومشخص كردن حقوق آن.

٢٣- تسـجيل اعضـاى كنـونى لويـه جرگـه بـه حيث پارلمـان موقـت تـا تـدوير انتخابـات سراسرى.

٢٤- جـدا كـردن احكـام انتقـالى شـامل مسـودهٔ قـانون اساسـى مـن حيـث ضـميمهٔ مصوبات لويـه جرگـهٔ تصـويب قانون اساسى.

٢٥- درج موقـت بـودن قانون اساسى كنونى؛ بـراى يـك دوره.

در دهمين روز...

عـده يـى از نماينـدگان شكايت داشـتند كـه منشـى هـاى لويـه جرگـه بـه جـاى يادداشـت نمـودن سـخنان نماينـده هـا، در هنگـام سـخنرانى آنـان بـه بحـث هاى ديگرى مصروف مـى شـوند و كار اصلى خود بـه حيث منشـى را فراموش كرده اند.